

دکتر مدثر نظر،
استادیار موقتی، بخش فارسی،
دانش گاه کشمیر، سری نگر۔

تأثیر اندیشه های عرفانی ساطع بر اشعار فارسی او

ابو الحسن ملاً عبدالحکیم ساطع یکی از شاعران نام چین کشمیر بشمار می رود که دیوان اشعارش در کتابخانه ساز مان تحقیق و اشاعت جموں و کشمیر وجود دارد۔ وی در شعر گوی تبخر داشته و بنا گفته تذکره نویسان تحت تاثیر سبک هندی شعرهای پُر مغز سروده است۔ ساطع از شاگردان لاله ملک شهید و مرزا دراب بی جو یا شمرده است که شاعران معروف زمان مغول بوده اند۔ درین مقاله اندیشه های عرفانی و عاشقانه وی را شرح داده شده است۔ چون اغلب از شاعران این دیار که در حدود قرن یازدهم و دوازدهم هجری زندگی میکردند عزلهای صوفیانه و عاشقانه سرود اند۔ ساطع را در ردیفه شاعران سر آمد و نام آور سبک هندی می توان شمرد۔ درین مقاله بنده درباره اشعار عاشقانه و عارفانه وی سخنی خواهم آورد۔

واژه های کلیدی:

اغراق، حرص التفات، واصلان حق، مرحله سلوک، کمبود وسائل،
استعارات لطیف، بیکران

دوران مغولان هند بی تدید یکی از بزرگترین تربیت گاه
شاعران بوده است که اغلب از شاعران نام چین مانند فاتمی، غنی، حبیبی،

جویتا، گویتا و جزآن در همین عصر در دیار کشمیر می زیستند۔ همه شاعرانی که در عصر گورگانیان هند زادگی میکردند به سبک هندی را تقلید می کردند و شعرهای پر مغز می سرودند۔

ملا عبدالحکیم متخلص به ساطع که بعضی ویرا به اسم ابوالحسن یاد کرده اند هم پرورده دوره مغول است ۱۔ چون محمد اعظم با ساطع روابط صیمانه داشت و در محضروی استفاده نموده پس باید دانست که شمس عبدالحکیم و کنیت ابوالحسن است۔ هما نظور مور خان و تذکره نویس کشمیر و هند بانظریات بکدیگر تفاوت بسیاری راجع اسم پدروی دراند۔ بعضی اسم پدر ساطع محمد علی آورده اند و بعضی دیگر اور را پسر غالب پنداشته اند۔ ۲۔ همچنین از یام کودکی وی و تحصیل علوم متداوله خبری نداریم اما وقتی که به اشعار پر مغز وی بر میخوریم به نتیجه ای میرسیم که در زبان فارسی و عربی دست بتحرر داشت۔ مورخ اعظم درباره استادی وی می گوید که در ابتدا از لاله ملک شهید اصلاح شعر می گرفت و بعداً بخدمت دراب بیگ جو یارفت و زانوی تلمذتهیه نمود۔ این طور در شعر گوئی مهارت کلی یافته بر قرآن خود فائق شد۔ ساطع درباره استاد خود چنین می گوید۔

مرا جویند استادان ز بهر نکته سنجیدن

همین بس حجت ساطع که جو یا بود استادم ۴۔

ساطع زندگی خود را در فقر و گرسنگی میگذراند و بعلت کمبود و سائل زندگی برای دست آوردن سرمایه و کسب معاش مسافرت های بسیاری پیش گرفت۔ در ابتدایه پشاور و بعد به دهلی رفت به دربار شاه بهادر پیوست۔ ساطع از مسافرت های زیادی و دوری سرزمین کشمیر دیگر شده بود۔ در این باب چندین از اشعاروی ملاحظه کنید۔
در هوای هند از نشوونما من مپرس از گداز خود چونخل شمع آیم

داده انده -

نیم آن ریگ که در شیشه ساعت باشد روز و شب ارچه سفر کردن من در
وطنت ۶ -

ساطع در زندگی خود از دواج نکرد - مجرد ماند در اشعار وی
درباه تجریب بود ذکر نموده است - وی از جور و جفای روزگار شکایت می
کند - گاهی بر مجرد بودن خود خجالت میکشد ، می گوید:

گرچه تن چون صورت دیبا بکسوت داده ام

لیک می دارد تجرد همچنان عریان مرا ۷ -

مرا عریان تجرد جنون دارد درین وادی

نمیکنجم به پیراهن زبس بالیدم از شادی

در زمانی که ساطع زندگی میکرد بازار شعر چنان گرم بود که

تعدادی از شاعران دبار کشمیر شعر سرایی را معاش خود پنداشته بودند و

سبک هندی بر اسر شعر فارسی غالب بود - شاعران زیادی در همین

سبک شعر می سرودند بس ملا ساطع هم از اساتید نام چین سبک هندی

تبع کرده است - اما سبک هندی مانند غتی ، صائب ، عرفی و جر ، آن

نموده است - درین باب ساطع چنان گفته است:

تواز طریقه صائب برون مرو ساطع

کناره گرد خطرهای بیکران دارد ۸ -

درباره غنی می گوید:

نکته پردازی اگر هست ، فقیر است امروز

پیش ازین عهد شنیدم که غنی هم بوده ۹ -

ساطع نه فقط شاعران معروف زمان خود یعنی غتی و صائب را توصیف

کرده بلکه از مضامین و مفاهیم و مطالب اشعار شاعران مذکور چنان تقلید

نموده که نوگرایی ساطع هم آشکارا گردد و تبع هر برای استدلال این

نکته اشعار زیر ملاحظه کنید:

غنی می گوید:

اگر شهرت هوس اسیر دام غزلت شو
که در پرواز دار گوشه گیری نام عنقا را ۱۰ -
وهم ساطع گفته استب:

حصار عافیت خواهی برد در کنج درویشی

که اینجا آفت سر می شود چون شمع افسر ها ۱۱ -

ساطع مانند شاعران دیگر طبع موزون خود راستوده است گاه
آنرا طبع خدا داد و گاهی به عنوان هنر پرور یاد کرده است - مانند غنی
- که درباره اشعار خود و طبع موزون خود شعر های متعدد سرود است ،
غنی می گید:

اشعار آبدارم تا شد محیط عالم

انداختند در آب یاران سفینه هارا ۱۲ -

ساطع می گوید:

جلا طبع من از فیض استاد ازل باشد

چومه سر پنجه خورشید شد آئینه پردازم

تذکره نویسان راجع احوال زندگانی ساطع اشتبایات زیای
گروه اندچنان که می گویند از ممدو خان خود ساطع لطیف و مهر بانی
های زیادی دیده اما وقتی که به اشعار وی دقت کنیم و شکایت از روز
گار در اشعار وی دریا بیم معلوم می شویم که ساطع همه زندگانی خود
را در فقر و گرسنگی عیر برده - برای این که فقر وی آشکارا شود اشعار
ذیل را ملاحظه کنید -

وحشتم دارد بساط فقر گویا بافتند

از نی مژگان آهوبوریای خانه دم

فقر کی ساطع برد ماگوشع گیران زاز جای

این کشاکش برنیارو چون کمان از خانه ام-۱۳

گرچه بسیاری از اشعار وی در باره فقر سخنهای گفته است اما این فقر که از کشاکش زندگانی مردم هم گنج شده شعرهای فقر و گر سنگی سروده است-

برروایت تاریخ در باب وفات ساطع هم تذکره نویسان اختلاف نظر دارند- بعضی ها ۱۱۵۶ هـ و بعضی دیگر ۱۱۵۰ هجری سال رحلت وی آورده اند- اما دوست وهم عصر وی محمد اعظم مصرع زیر در باب تاریخ وی آورده است که از همه اش معتبر و موثق است-

نور ایمان بمرقدش ساطع ۱۱۴۳ هـ-

پس همین سال ۱۱۴۳ هجری را سال وفات ساطع می پنداریم - قصاید، غزلیات، قطعات، ترکیب بند، رباعیات و مثنویات است یک لغت بنام حجت ساطع باقی گذاشته است که تلخیص برهان قاطع می باشد ۱۵-
غزلهای ساطع از رنگ عاشقانه و صوفیانه پُر طرز سلاست و سادگی گفته شده است

اینگو غزلیات دیگر فارسی از معشوق زمینی هم سخن گفته است- بنظر وی عشق مجازی از راههای عشق حقیقی است عه مرا سوی عشق میکشد می گوید:

مرا عشق مجازی از حقیقت کی کند غافل

دهان می بوسم کزوی تو میاید ۱۶-

وی اغلب در اینگو اشعار خود از جور و جفای معشوق ناله و فریاد میکشد گاه لب و خال و خط وی را می ستاید و گاه بر ای وی منتظر و بیقرار گردد- غزل زیر از اینگو عواطف انسانی ساطع و عشق زمینی وی

دلالت می کند-

کبابم می کند ناز آفرینی مست عیاری

نگار تندخوئی فتنه جوئی شعله دیداری

سخن پیرا، تبسم شیر، مستی لب، شکر تفلّی

بی جان غمزه جاسوسی نگاری جلوه طاوسی ۱۷-

علاوه ازین مانند شعر ای دیگر سبک هندی ساطع هم عرفان و

تصوّف را در شعر خود جاء داده است - گوشه گیری که بنا گفته غتی " که

در پرواز درد گوشه گیری نام عنقارا " یکی از مفاهیم معتبر است که

در اشعار شاعران فرغانی فارسی بکار رفته است ساطع هم چنین طرز

عرفانی را در اشعار خود جاء داده است، میگوید:

بکن ترک عیال خود اگر از گوشه گیرانی

نمی بینی کمان از خانه داری کشمکش دارد

هر که رنجی کشد از اهل سر میگردد

تن بختی چو دهد قطره گهر میگردد ۱۸-

گرچه در اغلب اشعار خود ساطع از چور و چغای معشوق را از

اساس عشق خود می پندارد- در این باب اشعار ذیل را ملاحظه کنید:

شکایت ز جور نگاری ندارم

شدم خاک و در دل غباری ندارم

من آن تو نهالم بیباغ محبت

که جز اشک خونین بهاری ندارم

نگر دیده ام ترا بار خاطر

چرا من بیزم تو باری ندارم ۱۹-

تصوّف شامل شریعت و طریقت و حقیقت است و این سه ارکان از

ارکان تصوّف کاملان و املاق حق است - سیرد سلوک از در عشق و به

دنبال آن از طلب و مطلوب شروع می شود - صوفی واقعاً از مرحله سلوک را از برآمدهای توبه می پندارد - درین باب ساطع چنان می گوید:

آشنای عضو حق از زشت کرداری شدم
عنبر دریای رحمت از سیه کاری شدم
چرخ را نزدیک شد عصانیم از دور افکند
لنکر این کشتی از گران باری شدم ۲۰ -
از خواندن چندین ابیات ساطع گمان می شود که وی عاشق
حقیقی بوده و گاه به عشق مجازی هم می جسد در غزل زیر عشق وی
آشکارا شود:

از حیا پوشیده ام چشم وزی روی دوست
میطپد تارنگه مانند بنضم زیر پوست
شاهد یادش چو بزم آرائی دل سرکند
استخوان چون شمع فانوسم بسوزد زیر پوست
کی رود کی از خاطر م سرو قیامت جلوه ات

شاعران زبان فارسی درباره شیخان و زاهدان ریا کار بسیار
سخن های پُر از طنز گفته اند زاهدان ظاهری و شیخان قلابی در هر
زمان مشکوک بوده است لذا در تمام ادوار تاریخ هدف های طنزهای
شاعرانه شعرای فارسی گویی شده اند پس ساطعهم درین باب یعنی حذر
از دیاو زهد ظاهری شعرها سروده که چندین از آن زیر می آورم -

میکشی خمیازه تاکی شیخنا ساغر مکش
یا مزن، بر شیشه حرمت دار، این بر مکش
زاهد قدش به ذکر توکل حلقه شد
ماند تار سجه چرا در بدر شد دست

نتیجه گیری:

ملا ساطع کشمیری در زمان سبک هندی ظهور کرده اشعار دلنشین وی در باب عشق و تصوّف سخن های شایانی گفته است - گرچه سبک هندی پیچیدگی های و ابهام زیادی دارد اما اشعار ساطع تا حدی از این پیچیدگی های دور است - اما سبک هندی در اشعار وی بکار رفته - در هماهنگی عشق و موسیقی، عرفان و تصوّف ب پایه خوبی رسانده است - من الحیث المجموع شاعر ما یکی از شاعران برجسته گوی دوره مغول بوده که شعرش آمیزی هزن و ملال، عشق و عاشقی، عرفان و تصوّف و تغزل دارد -

منابع و حواشی:

- ۱ - تذکره زوز روشن و تذکره بینظیر بحواله تذکره شعرائی کشمیر اسم وی ابوالحسن آورده است - (ص ۲۹۷) و مورح حسن که از معاصرین وی می باشد ابوالحکیم ساطع نوشته است (واقعات کشمیر، ص ۱۴۹)
- ۲ - واقعات کشمیر، چاپ سنگی - ص ۱۴۹ - ایضاً بحواله سرچشمه عرفان از پروفیسر محمد صدیق نیاز مند -
- ۳ - همان مأخذ - ص ۱۴۹ -
- ۴ - دیوان ساطع از ساطع کشمیری برگ ۱۶۶ (الف) بحواله سرچشمه عرفان از پروفیسر نیاز مند - ص ۶۴ -
- ۵ - همان مأخذ بحواله ص ۶۹

- ۶- همان مآخذ بحواله ص ۶۹
- ۷- کلیات ساطع، سازمان تحقیق و اشاعت کشمیر، ص ۷۹
- (الف)
- ۸- همان مآخذ، و ۱۱
- ۹- همان مآخذ، و ۲۷
- ۱۰- دیوان غنی، مطبوعه، سازمان تحقیق و اشاعت- ص ۵۸-
سال ۱۹۸۴ میلادی-
- ۱۱- دیوان ساطع، از ساطع کشمیری، آندھرا، بحواله
سرچشمه عرفان- ص ۷۷
- ۱۲- دیوان غنی ص- ۵۰ "مقدمه"
- ۱۳: دیوان ساطع، کشمیر- ص- ۷۷- (ب)
- ۱۴- تذکره روز روشن- ۱۱۵۶ھ و صاحب سفینه خوشگو سال
۱۱۵۰ھ را تاریخ وصال ساطع گفته است بحواله سرچشمه
عرفان، ص- ۷۱
- ۱۵- منتخب الطائف، بحواله سرچشمه عرفان ص- ۸۲
- ۱۶- دیوان ساطع، مصحح و مدون مسرت پروین، رساله دکتری، ص
- ۱۷- همان مآخذ- ص- ۲۳۳
- ۱۸- همان مآخذ- ص- ۱۸۱
- ۱۹- همان مآخذ- ص- ۲۲۱-۲۲۲
- ۲۰- همان مآخذ- ص- ۲۱۸

☆☆☆